

تصنيف البحث الفقهي: تحليل وشرح أنواع الأبحاث الفقهية ضمن إطار شامل

السيد محمد حسن الحكيم*

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠٤/١٦ تاريخ القبول ١٣٩٩/٠٩/٢٧ هـ ش]

ملخص القول

ينقسم البحث الفقهي وفقاً لرؤية البحث، ومقدمات الاستدلال، ونوع الاستنتاج إلى أصناف وأنواع مختلفة. إذ تقودنا دراسة هذه الأصناف، والأنواع والمصاديق إلى العثور على عشرين نوعاً من أنواع البحث الفقهي. وفي هذه الدراسة قمنا بتحليل أنواع الأبحاث الفقهية وتقسيمها وفقاً للمبادئ العلمية لكل قسم منها، وذلك لتأسيس إطار منظم للبحث الفقهي ذي فروع متعددة. ومن أجل تقسيم الأبحاث وتكوين هيكلية في الدراسة، قدمنا شرحاً دقيقاً لكل نوع وقمنا بتقسيمها تقسيماً دقيقاً. وتقسم هذه الدراسة البحث الفقهي حسب الرؤية الرئيسية إلى "المُستنبط" و "طريقة طرح البحث". في قسم المستنبط لدينا مقاربتان هما "الاستنباط القائم على الفرد" و "الاستنباط الجماعي" وفي قسم طريقة البحث لدينا أيضاً محوران رئيسيان هما: "فقه الفتوى" وفقه الاستدلال" وأشرنا إلى الأنواع المختلفة لكل منها. وتوضح هذه الدراسة العلاقة بين الأقسام المختلفة بناء على الفروض المسبقة لكل منها. كلمات مفتاحية: أنواع البحث الفقهي، هيكلية البحث الفقهي، أقسام البحث الفقهي.

گونه‌شناسی بحث فقهی؛ تحلیل و تبیین گونه‌های بحث فقهی در ساختاری جامع

سید محمد حسن حکیم*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷]

چکیده

بحث فقهی بر اساس زاویه بحث، مقدمات استدلالی و نوع جمع‌بندی و استنتاج به اقسام و گونه‌های متعدد بروز یافته است. مطالعه این گونه‌ها، اقسام و مصادیق بالغ بر بیست گونه بحث فقهی را نمودار می‌کند. در این نگاشته با تحلیل و تقسیم گونه‌های بحث فقهی مبتنی بر مبادی دانشی هر قسم، کوشیده‌ایم ساختار بحث فقهی را به شکل نظام‌مند با فروع متعدد ترسیم کنیم. برای تقسیم بحث و ساختارسازی در این پژوهش، کارکردهای صحیح هر یک از گونه‌ها تبیین و در تقسیم آنها دقت شده است. این نگارش بحث فقهی را بر اساس دو زاویه محوری کلی «استنباط‌کننده» و «نحوه طرح بحث» تقسیم کرده است. در قسم استنباط‌کننده به دو رویکرد «استنباط شخص‌محور» و «استنباط گروهی» و در قسم نحوه طرح بحث نیز به دو محور کلان «فقه فتوایی» و «فقه استدلالی» با گونه‌های متعدد هر قسم اشاره شده است. در این نوشتار همچنین نسبت هر قسم با اقسام دیگر مبتنی بر پیش‌فرض‌های آن روشن می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گونه‌های بحث فقهی، ساختار بحث فقهی، اقسام بحث فقهی.

مقدمه

فقه در لغت به معنای «مطلق علم و فهم» است؛^۱ البته برخی کوشیده‌اند آن را فهم خاصی تابع تبیین و اثبات معنا کنند.^۲ این واژه در اصطلاح به دانشی با موضوع علم به احکام شرعی اختصاص یافته است؛ علمی که در آن حکم شرعی مبتنی بر دلیل کشف می‌شود.^۳ بحث فقهی تلاش روشمند فقیه برای دست‌یابی به حکمی جدید یا گزینش نظری خاص از میان نتایج متعدد به‌دست‌آمده در بحث‌های گذشته با توجه به قوت دلیل آن است.^۴

بحث فقهی نزد فقیهان تا به امروز از زوایا و جنبه‌های مختلف بررسی شده است. تمام گونه‌های بحث فقهی در «کشف حکم شرعی از ادله» مشترک‌اند؛ اما زوایای گوناگون بحث، نوع مقدمات و ظرافت‌های داخلی مباحث، موجب تعدد و تنوع بحث‌های فقهی شده است.

مقصود از گونه‌شناسی در این نگارش توصیف و تحلیل اشکال و نمودهای متعدد بحث فقهی است که تابع متغیراتی چون زاویه بحث، کیفیت استخدام دلیل و جمع‌بندی مباحث و نتایج پدیدار می‌شود. این پژوهش به مطالعه گونه‌های بحث فقهی بر اساس توصیف آنچه موجود است، مبتنی بر مصادیق و نمونه‌های مدون بحث فقهی توجه کرده است.

بروز و ظهور عنوان‌ها و اصطلاحات متعدد در حوزه بحث فقهی از ابتلائات جدی

-
۱. نک: الجوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۴۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۲۲؛ الفيومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۴۷۹؛ الطریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۵۵.
 ۲. نک: ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۴۲؛ المصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۱۲۳؛ اسلامی، مدخل علم فقه، ص ۴۵؛ الحکیم، موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ص ۳۱.
 ۳. نک: شریف مرتضی، رسائل الشریف المرتضی (رسالة الحدود والحقائق)، ج ۲، ص ۲۷۹؛ المشکینی، مجموعة آثار آية الله المشکینی (اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها)، ص ۱۸۰؛ أبو حبيب، القاموس الفقہی للغة و اصطلاحاً، ص ۲۸۹؛ اسلامی، مدخل علم فقه، ص ۴۵.
 ۴. عبدالعال البحت الفقهی، ص ۱۲-۱۳.

مباحث معاصر است. این به آن سبب ابتلا تلقی می‌شود که نبود تبیین صحیح در خصوص این اصطلاحات و ناآشنایی با جایگاه و کارکرد آنها گاه به استفاده ناصحیح و مصادره به مطلوب منتهی می‌شود. عامل دیگری که رواج اصطلاحات متعدد در حوزه بحث فقهی را با مشکل مواجه می‌کند، التفات نکردن به شناسایی گونه‌های بحث فقهی است که به تغافل از ظرافت‌های این گونه از بحث‌ها منتهی می‌شود و این تلقی را رواج می‌دهد که در پس این اصطلاحات متنوع، حقیقت تأثیرگذاری بروز نخواهد کرد. حال آنکه توجه به تبیین صحیح گونه‌های بحث فقهی و اصطلاحات مرتبط با آن، همچنین تعیین رابطه صحیح میان گونه‌های مختلف بحث فقهی — به شکلی که تضمین‌کننده استمرار ماهیت بحث فقهی در هر گونه باشد و در ضمن آن زوایای متفاوت تأثیرگذار بر هر گونه را با بحث دیگر تبیین کند — می‌تواند ساختار دانشی بحث فقهی و ابعاد متعدد آن را برای پژوهندگان دانش فقه، علمی کند و کارکردهای گوناگون بحث فقهی را نشان دهد.

در این پژوهش می‌کوشیم با بهره‌گیری از بحث‌های اندیشمندان پیشین، ساختار جامعی را طراحی و عرضه کنیم که ضمن حفظ ظرافت‌ها و ابعاد متعدد هر گونه از بحث فقهی، نسبت صحیح میان اقسام و گونه‌ها را نیز پوشش دهد.

پیشینه بحث

تاکنون درباره گونه‌های بحث فقهی به طور جدی پژوهش نشده است؛ اما برخی تلاش‌های موجود در منابع مکتوب دانش فقه اسلامی را می‌توان مصداقی برای این بحث دانست. در میان اندیشمندان شیعه، بروجردی در مقام استناد به سخنان فقه‌های نزدیک به عصر معصوم علیه السلام و اتفاق ایشان بر برخی عبارات، مسائل فقه را بر دو قسم «أصول متلقاة» و «فروع استنباطی» دانسته است.^۱ برخی دیگر بدون اشاره به گونه‌های بحث فقهی و معیار تقسیم آن، در گزارش خود از منابع مکتوب فقه، کتب فقهی را در

۱. الطباطبایی البروجردی، *البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر*، ص ۱۸-۲۲.

دو بخش کلی «فقه استدلالی» و «فقه فتوایی» تدوین کرده‌اند.^۱ گروهی دیگر نیز بدون به دست دادن مبنای تقسیمی مشخص، تألیف فقهی در امامیه را بر سه نوع: «فقه روایی»، «فقه استدلالی» و «فقه فتوایی» دانسته و هر یک از این اقسام را تعریف کرده‌اند.^۲ همچنین عده‌ای آثار به‌جامانده از فقیهان را بر سه قسم «فقه استدلالی»، «نیمه‌استدلالی» و «غیراستدلالی» دانسته‌اند.^۳ برخی نیز در تقسیم اجتهاد، فروعی را مطرح کرده‌اند که از آن می‌توان برای گونه‌شناسی بحث فقهی استفاده کرد؛^۴ اما تقسیم روشن و جامعی از گونه‌های بحث فقهی عرضه نکرده‌اند.

در میان اهل سنت نیز درباره برخی گونه‌ها از بحث فقهی و شناسایی و تحلیل آنها بحث‌های کامل و شایانی شکل گرفته؛ اما این بحث‌ها نیز محدود به بررسی و تحلیل نمونه‌های خاصی از بحث فقهی است و موضوع آن شناسایی جامع گونه‌های بحث فقهی نیست.^۱ برخی دیگر از منابع نیز همانند منابع شیعه فقط اشاراتی به این موضوع دارند. از این اشارات می‌توان برای گونه‌شناسی بحث فقهی استفاده کرد،^۲ اما سابقه پژوهشی این موضوع محسوب نمی‌شود.

در حقیقت، مجموع این تلاش‌ها پیشینه‌ای جدی برای گونه‌شناسی بحث فقهی رقم نمی‌زند، اما گام‌های اولیه برای شکل‌گیری اندیشه تحلیلی درباره گونه‌های بحث فقهی و ساختار جامع بحث فقهی محسوب می‌شود و ایده اولیه را در اختیار محقق قرار می‌دهد.

شمار گونه‌های بحث فقهی

در نگاهی جامع، با توجه به نوع تألیفات موجود و بحث‌های صورت‌گرفته، می‌توان بیش از بیست عنوان برای گونه‌های بحث فقهی برشمرد. در این میان شاید اصطلاحات «فقه فتوایی» و «فقه استدلالی» مأنوس‌ترین و پرکاربردترین واژگان استفاده‌شده در بحث

۱. نک: مدرسی طباطبایی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۶۳ به بعد «اهم منابع فقه».

۲. نک: مهریزی، درایتی، فقه فتوایی آخوند خراسانی، ص ۱۹.

۳. نک: اسلامی، مدخل علم فقه، ص ۲۰۹.

۴. نک: الفضلی، التقليد والاجتهاد، ص ۲۱۲-۲۲۵.

فقهی باشد که در میان میراث مکتوب نیز سابقه‌ای دیرینه دارد.^۱ در کنار این دو اصطلاح، کاربرد واژه «نیمه‌استدلالی» نیز در مقایسه با بحث فقهی بروز و ظهور جدی یافته است.^۲ از دیگر گونه‌های بحث فقهی می‌توان به عناوینی چون «احکام القرآن»، «فقه القرآن» و «آیات الأحکام» اشاره کرد که از دوران‌های نخستین این بحث‌ها اندیشمندان حوزه فقه به آن توجه کرده‌اند و تا به امروز استمرار یافته است.^۳ این گونه از بحث فقهی گاه چنان پیش رفته و رنگ جدی به خود گرفته که در کنار جریان اصیل «فقه القرآن»، جریان‌های خاصی را مبتنی بر اکتفای به قرآن در بحث فقهی در پی داشته است.^۳

در کنار بحث از آیات و کشف دلایل حکمی آن، فقه مبتنی بر «سنت» نیز گونه دیگری از بحث‌های فقهی را شامل می‌شود. این گونه از بحث گاه چنان قوت گرفته که به جریان‌های خاص در فقه اسلامی منتهی شده است.^۴ «فقه مأثور» دوره‌ای تاریخی از اندیشه فقهی را در اسلام رقم زده است؛^۵ اما توجه به این نوع فقه به مثابه گونه‌ای از بحث فقهی، از دیرباز تا به امروز، همچنان جریان مستمر خویش را حفظ کرده است و اندیشمندان به آن اهتمام داشته‌اند.^۴

«فقه مقارن» با گونه‌هایی هم‌رتبه با آن، چون «فقه الخلاف»^۵ و «فقه الوفاق»،^۶ نیز از دیگر اصطلاحاتی است که به تبع نوع التفات به آرای فقها و اندیشه‌های فقهی در بحث فقهی شکل گرفته و به جریان افتاده است. در امتداد این گونه واژگان می‌توان به نگاه جنجالی معاصر با عنوان «فقه بدون مذهب» نیز اشاره کرد.^۷

۱. نک: مهریزی، درایتی، فقه فتوایی آخوند خراسانی، ص ۱۹؛ مدرسی طباطبایی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۶۷ و ۳۷۷.

۲. نک: اسلامی، مدخل علم فقه، ص ۲۰۹.

۳. نک: کلاتری، «پیدایش و تطور کتاب‌های فقه القرآن»؛ فخلعی، «جستاری در تاریخ تفسیر آیات الأحکام»، ص ۳۴۷؛ فاکر میبیدی، «فقه القرآن شیعه در بستر تاریخ».

۴. نک: السبحانی، ادوار الفقه الامامی، ص ۲۵۱؛ حب‌الله، نظریة السنة فی الفکر الامامی الشیعی، ص ۳۰۶-۳۳۵.

۵. نک: الحکیم، «مراحل تطور الاجتهاد فی الفقه الامامی»، ص ۱۷۷؛ جناتی، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، ص ۲۲۴-۲۲۹؛ الحکیم، تاریخ و تطور الفقه والأصول، ص ۶۱-۶۷.

«فقه النوازل» نزد اهل سنت و «مسائل مستحدثه» نزد شیعه از دیگر اصطلاحات ناظر به بحث فقهی است. درباره این واژگان اصطلاحی منابع فقهی خاصی شکل گرفته که اعتنای جدی و اولی آنها مسائلی است که در آثار پیشینیان نیامده و امروزه مکلف به آن مبتلا است. «مستحدثات» یا «نوازل» از فروعی است که امروزه بسیار به آن توجه شده است.^۱

«فقه اجتماعی» با دو تقریر ناظر به ماهیت این گونه از بحث فقهی، گونه‌ای دیگر از اصطلاحات ناظر به بحث فقهی را در دوران معاصر رقم زده است. در یک تقریر از این گونه، بحث فقهی مشتمل بر استنباط احکامی متعلق به ماهیتی به نام جامعه است؛^۱ چنان‌که به جامعه به مثابه موضوعی خاص اهتمام دارد و آن را کالبدشکافی و احکام متناسب با آن را استخراج و استنباط می‌کند. در این تقریر، مبادی استنباطی با موضوعات و مسائل دیگر تفاوتی نخواهد داشت. تقریر دوم از فقه اجتماعی ناظر به حاکمیت اندیشه‌ای اجتماعی بر استنباط احکام است. خروج از نگاه‌های فردی، حتی در استنباط احکام متعلق به افراد، موضوع این قسم از بحث فقهی است. در این حیث، انسان در مقام عنصری از عناصر حقیقتی به نام جامعه مطالعه می‌شود و برای چنین حیثی، یعنی انسان به مثابه عنصری اجتماعی، استنباط احکام صورت می‌گیرد.^۲

در مباحث معاصر، یکی از واژگانی که رنگ جدی به خود گرفته و به آن توجه شده، «فقه موضوعی» است. نگاه تخصصی به فقه و تقسیم موضوعات و محور قراردادن آن برای بحث فقهی، شاخص اصلی این گونه از بحث فقهی است که در مقابل نگاه عام به مسائل فقهی قرار دارد. متمرکز شدن فقیه بر موضوعی خاص، شناخت تخصصی جوانب موضوع و استنباط حکم برای آن، محور این تقسیم است. گسترش موضوعات و فراوانی آن در کنار تکثیر اطلاعات در دنیای معاصر، امکان اکتفا به نگاه عام و تسلط همه‌جانبه بر تمام موضوعات فقهی را از فقیه سلب و مطالبه نگاه

۱. نک: فقه اجتماعی، به کوشش محمدباقر ربانی، ص ۱۵-۱۷.

۲. نک: الصدر، موسوعة الشهدید الصدر (ومضات)، ج ۱۷، ص ۱۸۸؛ اسکندری، تولایی، «نظریه فہم اجتماعی نصوص، مبانی، کارکرد»، ص ۳۵-۹.

تخصصی را ایجاد کرده است.^۱ از اصطلاحات همگون با این واژه، که در دوره معاصر رواج یافته است، می‌توان به «فقه حکومتی»،^۹ «فقه التقنین»،^۲ «فقه اقتصاد»^{۱۰} و «فقه خانواده»^۳ اشاره کرد.

واژگانی چون «استنباط مسئله‌محور»، «فقه نظریه» و «فقه نظام» نیز گونه‌های جدیدی را برای بحث فقهی رقم زده‌اند. موضوع «فقه نظریه» کشف و تدوین مجموعه مسائل مترابط و تأثیرگذار بر یکدیگر و تبیین روابط شرعی میان آنها و احکام هر یک با توجه به نوع تأثیر و تأثرشان از یکدیگر است.^۴ موضوع بحث نظام‌سازی نیز طراحی نمونه‌های جامع و ساختارمند برای اجرایی کردن مباحث فقهی ثابت‌شده در نظریه‌ای فقهی، مبتنی بر استنباط و مبانی فقهی روشن است.^۵

از دیگر واژگان اصطلاحی معاصر می‌توان به اصطلاحاتی چون «اجتهاد گروهی»، «شورای فتوا» یا همان «الفقه الجماعی» اشاره کرد؛ پدیده‌ای نوظهور که در میان اهل سنت نمودی جدی یافته است.^{۱۱} این گونه از بحث فقهی را شهید سید محمدباقر صدر^۶ با نظریه «المرجعیه الرشیده»، شهید مطهری^۷ با نظریه «شورای فقهی» و دیگرانی همچون آیت‌الله طالقانی^۸ در اندیشه فقهی شیعه مطرح کرده‌اند. شاید بتوان «شورای

۱. نک: الشیخ قبلان، حول التخصص فی الأبواب الفقهیة، الاجتهاد والتجدید، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۴۲؛ الفضلی، التقليد والاجتهاد، ص ۲۱۳.

۲. نک: ابن عبدالرحمن الرومی، الصیغة الفقهیة فی العصر الحدیث، ص ۳۴۷-۴۸۹.

۳. نمونه‌ای از نگارش‌ها در این حوزه فقه نظام الأسرة اثر غدیر حمودی و منابع فراوانی است که با عنوان الأحوال الشخصیة نگاشته شده‌اند.

۴. نک: الحکیم، مجتمعنا فی تراث الشہید السید محمدباقر الصدر، ص ۶۹؛ الغفوری، «فقه النظرية عند الشہید الصدر»، ص ۱۲۳-۲۰۴؛ عبدالحمید، الشہید الصدر من فقه الأحکام إلى فقه النظریات، ص ۱۱۸-۱۳۰؛ العذاری، الاجتهاد والتجدید (فقه النظرية، معرفة وتطبيق)، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۳۲؛ ابن عبدالرحمن الرومی، الصیغة الفقهیة فی العصر الحدیث، ص ۳۷۹-۶۳۷.

۵. نک: الحکیم، مجتمعنا فی تراث الشہید السید محمدباقر الصدر، ص ۶۷-۶۸.

۶. الصدر، موسوعة الشہید الصدر (الاسلام یقود الحیة)، ج ۵، ص ۲۰-۲۲.

۷. مطهری، مجموعه آثار شہید مطهری (ده گفتار، اصل اجتهاد در اسلام)، ص ۱۸۴-۱۸۶.

۸. گروه نویسندگان، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ص ۲۰۱-۲۱۱؛ نک: مهریزی، «اجتهاد گروهی:

نگهبان»، «مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «خبرگان رهبری» را نمودهایی از این گونه بحث فقهی دانست.

تحلیل و تقسیم گونه‌های بحث فقهی

گونه‌گونی واژگان مرتبط با بحث فقهی و تعدد و فراوانی آن به این معنا نیست که تمام این عنوان‌ها مقسم یکدیگرند و هر یک بحث مستقلی را فارغ از دیگری شکل می‌دهند و ماهیت جداگانه‌ای را رقم می‌زنند، بلکه توجه به ویژگی‌هایی چون مبادی، مقومات و ظرایف بحث، در تعدد و تکاثر این عنوان‌ها نقش داشته است. بررسی و تحلیل گونه‌های مختلف و کشف نظام ارتباطی جامعی که بتواند این تنوع بحث را پوشش دهد، مسئله‌ای مهم و کلیدی در هدایت و راهنمایی پژوهندگان بحث فقهی است. مرور اصطلاحات توصیف‌شده در بحث قبل نمایانگر پیش‌فرض‌های حاکم بر تقسیم است؛ چنان‌که برخی از واژگان مذکور ناظر به ماهیت بحث فقهی‌اند و برخی ناظر به ماهیت بحث‌کننده از موضوع فقهی. این نکته در شکل‌گیری اصطلاح «فقه جماعی» یا همان «فقه گروهی» در کنار دیگر اصطلاحات، نظیر «فقه استدلالی»، «فتوایی»، «مأثور» و «موضوعی»، نمایان است؛ چنان‌که موضوع محوری در اصطلاح «فقه جماعی» ناظر به استنباط‌کننده و پژوهنده بحث فقهی است.

بر این پایه، می‌توان گفت یکی از مقسم‌های جدی و کلان تأثیرگذار بر بحث فقهی، نوع ملاحظه و زاویه دید است که دو بعد استنباط‌کننده یا باحث و محتوای استنباطی یا نحوه طرح بحث را در بر می‌گیرد.

توجه به استنباط‌کننده و محور قراردادن آن برای تقسیم بحث فقهی، یکی از موضوع‌های مهم معاصر است. تا به امروز استنباط فقهی حرکتی شخصی و فردی بود که فقیه به‌تنهایی انجام می‌داد، اما نظریه‌پردازی در حوزه «فقه گروهی» و شکل‌گیری مجامع و مؤسسات فقهی در اهل سنت و به دست دادن نمونه‌های عملی و واقعی از

استنباط گروهی، تصور معهود را تغییر داد. از این نگاه، بحث فقهی بر دو قسم است: «مبتنی بر استنباط فردی» و «مبتنی بر استنباط گروهی».

محتوای استنباطی یا نحوه طرح بحث گونه‌های فراوانی را پوشش می‌دهد و عمده اصطلاحات و واژگان اشاره شده در این بحث، ناظر به اقسام و گونه‌های مطرح کردن محتوای بحث فقهی است. برای تقسیم بحث در این حوزه می‌توان قدر مشترک استدلال را محور قرار داد که در بسیاری از گونه‌ها جریان تام دارد؛ همان‌طور که در تقسیم بحث‌های گذشتگان نیز توجه و التفات جدی به این مقسم حاکم بر تقسیم بحث فقهی بوده و تقسیم مباحث فقهی به «استدلالی» و «غیراستدلالی» یا همان «فتوایی» اشتهار یافته است. نقطه فارق این دو قسم فقهی را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که در «فقه استدلالی» تقریر کیفیت استنباط و اثبات حکم اتفاق می‌افتد، حال آنکه در «فقه فتوایی» فارغ از چگونگی اثبات، فقط به بیان و نقل حکم اکتفا می‌شود.^{۱۲} در این میان ظرافت‌هایی چون مراعات مصالح اجتماعی و احتیاط در اعلام نظر نیز موجب تفاوت‌های جدی «فقه فتوایی» و «فقه استدلالی» شده است.^{۱۳}

در تصویر جامع میراث مکتوب بحث فقهی، کتب و منابعی که بحث فقهی را به شکل «نیمه‌استدلالی» مطرح می‌کنند، نیز بروز و ظهور جدی دارد. فراوانی نمونه‌های بحث فقهی به شکل «نیمه‌استدلالی» سبب شد برخی تصور کنند «فقه نیمه‌استدلالی» مقسم دیگری برای «فتوایی» و «استدلالی» است؛^۱ اما روشن است که مطابق تقسیم رایج، با توجه به خروج منابع «نیمه‌استدلالی» از دایره منابع «فتوایی» و همچنین ورود «استدلال» در آنها می‌توان این آثار را نیز داخل در منابع «استدلالی» دانست. آنچه در حفظ فایده شناختی از منابع «نیمه‌استدلالی» و جایگاه آن در بحث فقهی مهم است، التفات به تقسیم منابع «استدلالی» به سطوح مختلف و مراتب متعدد بحث است که تمییز منابع «نیمه‌استدلالی» از آن جمله خواهد بود؛ از این رو، تقسیم به «استدلالی» و «فتوایی» به قوت خود باقی خواهد ماند و فقه نیمه‌استدلالی از تقسیمات و زیربحث‌های فقه استدلالی به شمار خواهد آمد.

درباره «فقه روایی» نیز هرچند می‌توان به دقت اصولی، بحث و نظرهایی درباره برخورداری‌اش از «استدلال فقهی» مطرح کرد و مطابق برخی تقسیمات آن را در عرض دو قسم «استدلالی» و «فتوایی» دانست،^۱ حق آن است که تتبع در میان میراث مکتوب «فقه روایی» بدون پیش‌داوری اصولی، حضور پررنگ مفهوم و مصادیقی مشابه «فقه فتوایی» در قالب «فتوای به نص» برای عمل مکلف^{۱۴} و همچنین نمودهایی از «استدلال» مشابه «فقه استدلالی» در قالب «جمع و تحلیل نصوص»^{۱۵} را در اختیار محقق قرار می‌دهد. با وجود این گونه‌نمودها می‌توان «فقه روایی» را نیز در زمره سطوح بحث و داخل در مقسم کلی «استدلال» دانست.

بر این پایه، در تقسیم کلان بحث فقهی به نظر می‌رسد صحیح آن است که بحث فقهی را به دو بخش کلی «فقه فتوایی» و «فقه استدلالی» قرار دهیم و سطوح بحث فقهی و زوایای گوناگون آن را در این چارچوب مطالعه و تقسیم کنیم.

سطوح و گونه‌های بحث در «فقه فتوایی» محدودتر از بحث فقهی در حوزه بحث «فقه استدلالی» است؛ چنان‌که فقه فتوایی تا به امروز در سه قالب «تعلیق‌نگاری»^{۱۶} «رساله‌نویسی»^{۱۷} و «استفتانات»^{۱۸} عرضه شده است. در نهایت، افزون بر قالب مطرح‌کردن بحث در «فقه فتوایی»، می‌توان این گونه بحث فقهی را از نظر نوع التفات به مخاطب نیز بر دو گونه «احکام فردی» و «احکام اجتماعی» تقسیم کرد.

بحث در تقسیم «فقه استدلالی» بسیار گسترده است؛ چنان‌که عمده واژگان توصیف‌شده در بخش قبل به‌روشنی ناظر بر این گونه از بحث فقهی و تفاوت نگاه و زوایای دید گوناگون در بحث «فقه استدلالی» است. با توجه به این نکته، مطالعه پیش‌فرض‌های حاکم بر گونه‌های اصطلاحات مرتبط با بحث فقهی می‌تواند نمایانگر وجه فارق هر یک از دیگر گونه‌های «فقه استدلالی» باشد. مطالعه واژگانی چون «فقه‌القرآن» و «الفقه المأثور» و دقت در پیش‌فرض‌های بحث فقهی، نمایانگر آن است که این سبک از واژه‌گزینی برای تمییز بحث فقهی ناظر به کیفیت و نوع تعامل با «نص» است؛ چنان‌که در گونه‌هایی از بحث فقهی در استنباط و کشف حکم به «قرآن کریم»

دقت شده و در گونه‌ای دیگر «سنت» محور بحث قرار گرفته و گونه دیگری از بحث‌های فقهی را رقم زده است.

التفات به نص در تقسیم بحث فقهی، منحصر در این دو بحث نیست؛ چنانکه در نگاه استنباطی و تفریعی در بحث فقهی دو مبحث گسترده «استنباط مبتنی بر نص» و «استنباط فراتر از نص» از جنجالی‌ترین مباحث فقه‌اند و نگارش‌های مبنایی در حوزه فقه را رقم زده‌اند.^{۱۹} در حقیقت می‌توان بر اساس میزان التفات به نص و نقش محوری آن در بحث فقهی، دو گونه «اکتفای به نص» و «استنباط فراتر از نص» را مشخص کرد، که هر کدام زیربخش‌های مشخصی از گونه‌های بحث فقهی را دارند؛ چنانکه بحث فقهی «نص محور» بر دو گونه «فقه القرآن» و «الفقه المأثور» آشکار شده و بحث فقهی «فراتر از نص» در دو گونه «استنباط مبتنی بر نص» و «استنباط در مقابل نص» بروز یافته است.

برخی دیگر از واژگان ناظر به بحث فقهی، چون «فقه مقارن»، را می‌توان به رویکرد مذهبی در تحلیل و استنباط احکام تقسیم کرد. فقیه در بحث فقهی احکام را گاه تابع چارچوب‌های مذهب استنباط می‌کند و گاه فراتر از نگاه مذهبی. این دو گونه شامل آثار و نمودهای فراوانی است که در ضمن مطالعه آنها می‌توان وجوه تمایز گسترده‌ای را برای هر قسم مطرح کرد. چنانکه تمایز در مبادی اصولی بحث میان مذاهب به شکل مستقیم و مبادی و پیش‌فرض‌های کلامی حاکم بر اندیشه مذهبی به شکل غیرمستقیم، از نقاط فارق بحث فقهی «درون مذهبی» و «فرامذهبی» است. بحث‌های فقهی «فرامذهبی» نیز با دو رویکرد جریان یافته‌اند:

۱. اصطلاح «فقه مقارن» ناظر به رویکردی از بحث فقهی فرامذهبی است. در نگاه مقارن، فقیه به مباحث استنباطی فقهای دیگر مذاهب نیز توجه می‌کند؛ اما عموماً تقیید و التزام خود را به مذهبی مشخص حفظ می‌کند و تلاش خود را برای اثبات فهم مذهبی‌اش به کار می‌گیرد.^{۲۰}

۲. رویکرد دوم، نگاه جنجالی معاصر با عنوان «فقه بدون مذهب» است.^{۲۱} در این رویکرد، فقیه فارغ از نگاه مذهبی، درباره ادله موجود در اندیشه اسلامی بحث می‌کند و

با بررسی مبانی و منابع موجود، مبنایش را برمی‌گزیند و بدون اعتنا به چارچوب‌های مذهبی، چه درباره مذهبی خاص و چه درباره مذاهب پذیرفته‌شده، حکم را استنباط می‌کند.^{۲۲} این اندیشه به‌مثابه نگاه تحلیلی و مبنایی، اندیشه‌ای معاصر است که برخی به آن تمسک و برخی به‌شدت با آن مقابله کرده‌اند.^{۲۳}

بحث از محور تقسیم در واژگان دیگری چون «فقه‌الخلافا» و «فقه‌الوفاق» را می‌توان در نوع التفات به آرا و اندیشه‌های فقیهان و عالمان دیگر دانست. گاه آرای فقها و اندیشه‌های فقهی از جهت اختلاف‌ها و تفاوت‌ها مطالعه می‌شوند که «فقه‌الخلافا» نامیده می‌شود و گاه اتفاق‌ها و مشترکات را بحث فقهی مطالعه می‌کنند که آن را «فقه‌الوفاق» یا «فقه‌الاتلاف» نامیده‌اند. نگارندگان «فقه‌الخلافا» گاه به حوزه‌های مذهبی التفات داشته‌اند و اختلاف‌نگاری را محدود به مذهب مطالعه کرده‌اند^{۲۴} و گاه دست به نقد و تحلیل اختلاف‌های میان مذاهب زده‌اند.^{۲۵}

در بخش دیگری از واژگان ناظر به بحث فقهی می‌توان روزآمدی مباحث و توجه به نیازهای عصری را ملاک و پیش‌فرض تولید اصطلاح دانست. «فقه‌النوازل» نزد اهل سنت و «مسائل مستحدثه» نزد شیعه اقسام مجزایی‌اند که در مقابل بحث فقهی ناظر به ابواب معهود قرار دارند. در این تقسیم برخی منابع، نگارش فقهی مطابق مرسوم و مسائل موروث فقهی را پیشه کرده‌اند و در مقابل آنها، منابع فقهی خاصی شکل گرفته که اعتنای جدی و اولی‌شان مسائلی است که در آثار گذشتگان نیامده و امروزه مکلف به آنها مبتلا است.

در اصطلاح رایج‌شده «فقه اجتماعی» نیز به وجه تقسیم و تفکیک مباحث فقهی از دو حیث دقت شده است: ۱. التفات به ماهیتی به نام جامعه و تدارک احکام مرتبط با آن؛ ۲. التفات به هویت اجتماعی به‌مثابه هویتی حاکم بر اندیشه فقهی در مقابل فقه فردمحور در استنباط احکام.

نگاه ساختاری به بحث فقهی نیز از ویژگی‌هایی است که موجب تقسیم بحث فقهی شده است. در خصوص این مباحث، به تبع نگاه معاصر، به توسعه بحث فقهی اهتمام جدی شده است. تفکیک «استنباط مسئله‌محور» از «نظریه‌پردازی» و «نظام‌سازی»، واژگانی چون «فقه نظریه» و «فقه نظام» را در مقابل «فقه مسئله‌محور» مطرح کرده و

گونه‌های جدیدی را برای بحث فقهی رقم زده است.

محور تقسیم و پیش فرض تولید دیگر واژگان ناظر به گونه‌های بحث فقهی، چون «فقه حکومتی»، «فقه‌التقنین»، «فقه اقتصاد» و «فقه خانواده» را می‌توان در نوع تمرکز بحث فقهی جست. این گونه تقسیمات فقهی به تبع ضرورت تخصصی‌سازی دانش و فرآیند رو به رشد دانش فقه در حوزه‌های تخصصی گوناگون با کثرت مسائل مبتلا شکل گرفته و به سرعت رو به افزایش است. این گونه‌ها از بحث فقهی مصادیق و زیربحث‌های فقه موضوعی یا فقه تخصصی‌اند.

ساختار پیشنهادی مبتنی بر تحلیل

بر اساس تحلیل و تقسیمی که گذشت، می‌توان نظام‌واره جامع بحث فقهی را در نمودار ذیل ترسیم کرد:

بحث فقهی

- استنباط‌کننده

▪ استنباط فردی

▪ استنباط گروهی یا فقه گروهی (الفقه الجماعی)

- نحوه مطرح کردن بحث

○ فتوایی

• شیوه عرضه

▪ استفتائات

▪ تعلیقه‌نگاری

▪ رساله‌نویسی

• التزام به نص یا فقه روایی

• فتوای صرف یا مستنبط از نص

• نوع التفات به مخاطب

▪ احکام فردی

▪ احکام اجتماعی

○ استدلالی

• تقسیم بر اساس نوع تعامل با نص و استنباط

• فقه النص یا فقه محدود به نص

○ فقه القرآن یا احکام القرآن

○ فقه السنة یا الفقه المأثور

• فقه استنباطی

○ فقه تابع نص

○ فقه فراتر از نص

• تقسیم بر اساس مذهب

▪ فقه مذهبی

▪ فقه مقارن

• مقایسه میان مذاهب

• استنباط فرامذهبی

• تقسیم بر اساس نوع التفات به آرا و اندیشه‌ها

• فقه الخلاف

○ توجه به اختلاف آرای فقهای هم‌مذهب

○ توجه به اختلاف‌های فقهای مذاهب مختلف

• فقه الوفاق

• با توجه به روزآمدی مسئله

• ابواب معهود فقه

• مستحدثات یا نوازل

- تقسیم بر اساس نوع نگاه فقهی
 - فقه فردی
 - فقه اجتماعی (نگاه اجتماعی به نص)
 - با توجه به ساختار کلان بحث
 - فقه مسئله محور
 - فقه نظریه
 - فقه نظام
 - با توجه به نوع تمرکز بحث
 - فقه عام
 - فقه موضوعی یا تخصصی
 - فقه المجتمع (استنباط احکام جامعه)
 - فقه الدولة یا فقه حکومتی فقه سیاسی
 - فقه التقنین
 - فقه اقتصاد
 - فقه الأسرة
 - و ...

نتیجه

* ابعاد گوناگون و زوایای متعدد بحث فقهی، به تبع واژگان کلیدی و اصطلاحات رایج مبتنی بر کارکرد و نوع مدونات شکل گرفته در هر حوزه تخصصی تحلیل و تقسیم شد و برخلاف مباحث رایج، در تبیین تفاوت میان اصطلاحات بحث فقهی از بررسی

مفاهیم شرح‌الاسمی و مقایسه لغوی واژگان اجتناب شد.

* در ضمن این پژوهش، ساختاری جامع از بحث فقهی در ابعاد گوناگون آن، مبتنی بر پیش‌فرض‌های حاکم بر بحث فقهی عرضه شد. این ساختار ناقص تقسیم بحث‌های گذشته در حوزه گونه‌شناسی بحث فقهی است.

* در مقایسه با پژوهش حاضر، نزدیک‌ترین ساختار و منطقی‌ترین شکل طرح بحث فقهی در میان پژوهش‌های پیشین را می‌توان تقسیم مباحث فقهی به «فتوایی» و «استدلالی» دانست که مشهورترین تقسیم است. این تقسیم در بخش اساسی نتیجه با پژوهش حاضر مشترک است؛ اما از لحاظ توجه به تمام ابعاد درگیر در ضمن بحث فقهی و همچنین درباره گونه‌های متنوع و اصطلاحات فراوان رواج‌یافته پاسخ‌گویی لازم را ندارد.

* آنچه در این نگارش آمده به معنای توقف در گونه‌های بحث فقهی و انحصار آن به گونه‌ها و زوایای مذکور نیست، بلکه ناظر به مصادیق و گونه‌های یافت‌شده در این حوزه و تحلیل پیش‌فرض‌های آن برای تقسیم بحث و دست‌یابی به نظام‌واره‌ای جامع تمام ابعاد بحث فقهی است. این مسئله را از آن رو کاویدیم و بر آن تأکید کردیم که ظرافت‌های بحث فقهی و جایگاه هر بحث را تبیین کنیم. یافتن گونه‌هایی فراتر از آنچه در این مقال آمد، می‌تواند بر فرآیند تحلیل و تقسیم اثرگذار باشد.

* در تقسیمات مطرح‌شده برای بحث فقهی، محور تقسیم فقط «استنباط حکم» است و موضوعات فراوان مربوط به دانش فقه از بحث این نگارش خارج است. اگر نگارشی با موضوع «دانش فقه» و گونه‌های بحثی درباره آن تدوین شود، فراتر از «استنباط حکم» که موضوع این نگارش است، مباحث پیرامونی دانش نیز داخل در تقسیم بحث خواهد شد؛ چنانکه مباحثی چون «اصطلاح‌شناسی»، «تاریخ تشریح و تاریخ فقه»، «فلسفه فقه»، «فروق فقهی»، «قواعد فقهی»، «روش‌شناسی فقهی»، «درس‌نامه‌نگاری» و «موسوعه‌نگاری» در آن داخل می‌شوند.^{۲۶}

* نوع نگارش نیز می‌تواند مقسمی برای ابعاد دانشی «فقه» باشد؛ چنانکه «نگارش مستقل مبتنی بر ساختاری مطلوب نزد نویسندگان»، «شرح‌نگاری»، «مدارک و

مستندنویسی»، «تعلیق‌نویسی»، «تکمله‌نگاری» و «تحریرنویسی» از مباحث پیرامونی «دانش فقه» اند؛ اما چون به نظر می‌رسد محور تقسیم در این گونه‌ها، «استنباط حکم» نیست، از آوردن آنها در اقسام بحث اجتناب شد.

※ «فقه مصالح‌محور»، «فقه اولویات» و «فقه‌الواقع» را نیز چون نمی‌توان گونه‌ای از بحث فقهی محسوب کرد، در مقاله مطرح نکردیم. در این گونه اصطلاحات پیرنگ‌شدن نوعی دلیل فقهی نزد گروهی از مذاهب یا افراد و جایگاه آن دلیل، موضوع محوری بحث است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای نمونه نک:
- الملاح، الشیخ حسین محمد، الفتوی نشأتها و تطورها، أصولها و تطبیقاتها، که بحث جامعی در موضوع فقه فتوایی از گونه‌های بحث فقهی است و در آن فتوا و مباحث مرتبط با آن در میان مذاهب اسلامی به طور جامع تحلیل شده است.
- الجدعانی، مجمول بنت أحمد بن حمید، الاستدراک الفقهی تأسیلا و تطبیقا، که در آن استدراک یا همان نقد و تعلیقه‌نگاری راه، که از گونه‌های بحث فقهی است، به تفصیل کاویده است.
- ابن عبدالرحمن الرومی، هیشم بن فهد، الصیغة الفقهیة فی العصر الحدیث، در این کتاب دو گونه از بحث فقهی، یعنی تقنین الأحکام الشرعیة (ص ۳۴۷-۴۹۰) و النظریة الفقهیة (ص ۴۹۱ به بعد)، به شکل وافی بررسی شده است، اما به نظر می‌رسد موضوع تقسیم، فقط آشکال بحث فقهی با محوریت استنباط احکام نیست، بلکه نقطه اهتمام نویسنده تقسیم نگارش‌ها در حوزه دانش فقه است. این مطلب از مقدمات او در باب تعریف الصیغة الفقهیة (ص ۲۳-۲۹)، بحث در باب الصیغة الفقهیة عند الفقهاء السابقین (ص ۳۱-۱۶۰) و از قراردادن اصطلاح‌شناسی فقهی (المصطلح الفقهی، ص ۱۸۹-۳۴۶) در میان گونه‌های بحث فقهی معاصر دیده می‌شود.
۲. نک: ابن السلی، أبوامامة نوار، اصلاح الفکر الفقهی، ص ۶۳؛ وی در بحث از فنون فقه ضمن تقسیم دانش‌های مرتبط با بحث فقهی، که از نظر موضوع اعم از بحث گونه‌شناسی است، به گونه‌هایی از بحث فقهی، همچون نوازل الأحکام، الفقه المقارن، آیات الأحکام، احادیث الأحکام و النظریات الفقهیة نیز اشاره می‌کند. همچنین عطیة، جمال، تجدد الفقه الاسلامی (التجدید الفقهی المنشود)، ص ۳۶-۴۵، که از گونه‌های بحث فقهی به فقه مقارن، فقه قانون‌گذاری و نظریه‌پردازی فقهی اشاره می‌کند. همچنین الأشقر، عمر سلیمان، تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۲۱۰، «النظریات الفقهیة»؛ الدسوقی، محمد، مقدمة فی دراسة الفقه الاسلامی، ص ۱۹۱ «الفقه المذهبی والفقه المقارن»، ص ۲۱۶ «تقنین الفقه»، ص ۲۶۲ «النظریة الفقهیة».
۳. یکی از بحث‌های جنجالی دوران معاصر ظهور گروه‌هایی است که به «قرآن‌گرا» شهرت یافته‌اند. محور قرآن‌گرایی انکار «سنت» و اکتفا به قرآن در استنباط احکام است (نک: حب‌الله، حیدر، نظریة السنة فی الفکر الامامی الشیعی، ص ۵۰۹-۵۱۹، ص ۶۱۲-۶۳۸).
۴. از باب نمونه، برای استمرار این گونه از بحث فقهی تا دوران معاصر می‌توان به کتاب ارزشمند الفقه المأثور، اثر علی مشکینی، از علمای معاصر، اشاره کرد (نک: مشکینی، میرزا علی، مجموعه آثار آیت الله مشکینی (الفقه المأثور)).
۵. نگارش‌های فراوان در حوزه «فقه الخلاف» از آغازین نگارش‌های حوزه فقه تا به امروز جریان داشته است. برای نمونه اولین آثار در حوزه «فقه الخلاف» در اهل سنت می‌توان به اختلاف اَبی‌حنیفه و اَبی‌لیلی اثر ابویوسف (۱۸۲ق) اشاره کرد. در فقه شیعه نیز کتاب الخلاف شیخ طوسی از اولین نگاه‌های این حوزه فقهی است. استمرار این بحث تا به امروز چنان گسترده است که نیاز به ذکر ندارد؛ اما برای نمونه الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف اثر جعفر سبحانی، مسائل خلافیة اثر السید عبدالحسین شرف‌الدین که بعدها به مسائل فقهیة مشهور شد و دراسات فقهیة فی مسائل خلافیة تألیف نجم‌الدین طوسی از نگارش‌های معاصر در این حوزه‌اند.
۶. این عنوان و مشابهات آن، چون فقه الائتلاف، در میان معاصران رنگ جدی به خود گرفته، همچون اصطلاحی در حوزه بحث فقهی داخل شده و نگارش‌هایی را در پی داشته است (نک: الحکیم، السید

- منذر، *فقه الوفاق فی تراث الامام شرف الدین*، ص ۲۲۳-۲۲۵؛ السدلان، صالح بن غانم، *الاختلاف والاختلاف، اسسه و ضوابطه*، ص ۷۰). مراجعه به آثار قدما و عناوینی چون *المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف اثر امین الاسلام طبرسی (۵۴۸ق)* و *جامع الخلاف والوفاق بین الامامیه و أئمة الحجاز والعراق اثر سبزواری (حدود ۷۰۰ق)* دلالت بر جریان این اندیشه در میان گذشتگان نیز دارد.
۷. این نگاه مبتنی بر نفی تعصب مذهبی و با تکیه بر اندیشه سلفی شکل گرفته است. البته در این نظریه نحله‌ها و تقریرهای متعددی مطرح است (نک: امام، کمال‌الدین، *التعصب المذهبی: قراءة معرفية*، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ الجوجو، حسن، *التعصب المذهبی والتطرف الدینی و أثرهم علی الدعوة الاسلامیه*).
۸. نمونه این قسم نگارش نیز فراوان است. فراتر از نگارش در این حوزه‌های بحث فقهی، منابعی نیز درباره مبانی و روش بحث در این اقسام از بحث فقهی تدوین شده است؛ برای نمونه: الموسوی، السید محمد، *منهج الفقه الاسلامی فی المسائل المستحدثة والقحطانی*، مسفر بن علی بن محمد، *منهج استنباط احکام النوازل الفقهية المعاصرة*.
۹. نگارش در حوزه «فقه سیاسی» یا «فقه الدولة» در فقه اسلامی، به‌ویژه در فقه اهل سنت، سابقه‌ای دیرینه دارد. این بحث از ابحاث فقه موضوعی با عناوینی چون ولایت فقیه، فقه سیاسی، فقه الدولة و السیاسة الشرعیة نیز نامیده می‌شود. برای نمونه تألیفات در این حوزه می‌توان به ولایت فقیه اثر امام خمینی، *السیاسة الشرعیة اثر ابن تیمیه و نظام الحکم فی الشریعة والتاریخ الاسلامی اثر ظافر القاسمی* اشاره کرد. برای تفصیل بحث نک: *الفقه السياسي الاسلامی اثر خالد فهدوی*.
۱۰. نگارش در این حوزه در دوره معاصر در تمام جوامع اسلامی رشد چشمگیری داشته و در حوزه نظریه‌پردازی، قانون‌گذاری و نظام اقتصادی اسلامی و واقعیت‌های عملی قابل تطبیق در جامعه کارهای بزرگی صورت گرفته است. شکل‌گیری مجامع علمی در فقه اقتصاد، رشته‌های متعدد دانشگاهی در این حوزه و مجلات تخصصی بی‌شمار از مصادیق توسعه این گونه بحث فقهی است.
۱۱. برای نمونه بحث در حوزه نظریه‌پردازی در این گونه بحث فقهی نک: الشرفی، عبدالمجید السوسوه، *الاجتهاد الجماعی فی التشريع الاسلامی*، ص ۴۳-۱۲۴؛ الکرنز، نصر محمود، *الاجتهاد الجماعی و تطبيقاته المعاصرة*، ص ۳۱-۹۲، القرضاوی، یوسف، *الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیه*، ص ۱۸۲-۱۸۴؛ الشبلی، مصطفی، *الفقه الاسلامی بین المثالیة والواقعیة*، ص ۲۲۰-۲۱۱؛ القطان، مناع، *تاریخ التشريع الاسلامی*، ص ۴۲۲-۴۲۳؛ الزرقا، مصطفی أحمد، *الفقه الاسلامی و مدارسه*، ص ۱۱۳-۱۱۹.
- برای معرفی نمونه‌های تطبیقی و واقعی مؤسسات و مجامع فقهی نک: الکرنز، نصر محمود، *الاجتهاد الجماعی و تطبيقاته المعاصرة*، ص ۹۷-۱۴۲؛ الشرفی، عبدالمجید السوسوه، *الاجتهاد الجماعی فی التشريع الاسلامی*، ص ۱۳۸-۱۴۰؛ الدسوقی، محمد، *مقدمة فی دراسة الفقه الاسلامی*، ص ۲۲۶-۲۲۸.
۱۲. برخی فقه فتوایی را به حکم شرعی به نحو کلی یا اخبار از حکم کلی معنا کرده‌اند (العاملی، یاسین عیسی، *الاصطلاحات الفقهية فی الرسائل العملية*، ص ۱۵۶). برخی نیز آن را به معنای طلب فتوا و استفتاء دانسته‌اند (أبو حبيب، سعدي، *القاموس الفقهي لغة واصطلاحاً*، ص ۲۸۱؛ عبدالرحمن، محمود، *معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية*، ج ۳، ص ۳۳).
۱۳. این بحث تا آنجا پیش رفته که گاه فقیهی در فقه استدلالی به نتیجه‌ای علمی رسیده، اما در فقه فتوایی خود نظر دیگری را اعلام کرده است. نمونه‌های آن فراوان است؛ مثلاً امام خمینی در کتاب *الطهارة (ج ۴)*، ص ۲۰۰ قائل به لزوم تعدد در تطهیر انا با ماء معتصم می‌شود؛ اما در *تحریر الوسيلة (ج ۱)*، ص ۱۲۸ می‌گوید احوط آن است که تعدد ترک نشود. همچنین درباره عدم اشتراط لفظ در

- عقد نکاح در کتاب البیع (ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸) قائل به شرط نبودن لفظ و وقوع آن با فعل می‌شود؛ اما در تحریر (ج ۲، ص ۲۴۶) لفظ را برای وقوع عقد شرط می‌کند. البته این نمونه‌ها تابع قاعده عمومی احتیاط در مقام فتوا هستند.
۱۴. این شکل از آثار فقهی مصادیق فراوانی، به‌ویژه در میان قدما، دارد، از جمله *النهاية في مجرد الفقه والفتوى* نگاشته شیخ طوسی. البته در میان کارهای معاصر نیز نمونه‌هایی از آن را می‌توان یافت، از جمله *الفقه المأثور*، نگاشته میرزا علی مشکینی.
۱۵. برای نمونه نک: *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، نگاشته شیخ یوسف بحرانی. در دوران معاصر نیز می‌توان به *نهج الشريعة لجميع الشيعة* اثر الشیخ محسن آل عصفور اشاره کرد.
۱۶. نمونه آن تعلیقات متعددی است که بر *رسائل عملیه*، *عروة الوثقى*، *منهاج الصالحین*، *تحریر الوسيلة* و مانند اینها نگاشته شده است. البته این سبک در طول تاریخ جریان داشته و مصادیق آن فراوان‌اند.
۱۷. رساله‌نویسی به معنای جمع‌آوری و تدوین مجموعه‌ای از مسائل مبتلا به مکلف است که سابقه‌ای دیرینه دارد. برخی *معتقد الامامية* اثر عمادالدین حسن طبری (۹۸ق) (مدرسی طباطبایی، سید حسین، *مقدمه‌ای بر فقه شیعه*، ص ۳۷۷)، برخی *جامع عباسی* اثر شیخ بهایی (جناتی، محمدابراهیم، *ادوار فقه و کیفیت بیان آن*، ص ۲۸۴) و برخی *احکام النساء* تألیف شیخ مفید (مهریزی، مهدی، درایتی، محمدحسین، *فقه فتاوی آخوند خراسانی*، ص ۲۰) را اولین نگاه‌های این حوزه می‌دانند. این نوع نگارش‌ها در دوران معاصر شکل سازمان‌یافته و متکاملی به خود گرفته و رواج فراوان دارد.
۱۸. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مراجعات مکلفان موضوع این نوع نگارش‌ها است (نک: جناتی، محمدابراهیم، *ادوار فقه و کیفیت بیان آن*، ص ۲۷۸-۲۸۴).
۱۹. برای نمونه می‌توان به کتاب *النص والاجتهاد* تألیف السید عبدالحسین شرف‌الدین اشاره کرد.
۲۰. وجود منابع فقه مقارن در هر مذهب و نیز اعتماد فقهای هر مذهب بر مقارن‌نگاری‌های خویش و انکار مباحث مقارن دیگر مذاهب قرینه صدق این ادعا است. برای نمونه در سایت «اسلام‌ویب» فتوای شماره ۱۲۳۷۶۸ در پاسخ به پرسش از منابع فقه مقارن درباره کتاب *الفقه علی المذاهب الخمسة* نوشته محمدجواد مغنیه آورده است: «فأما الكتب المذكورة فمنها ما لا يعول عليه، ولا يلتفت إليه ككتاب الفقه علی المذاهب الخمسة، فإن مؤلفه مشهور بالبدعة، وليس كتابه من الكتب المعتمدة عند أهل السنة، فلا ينبغي لك اقتناؤه ولا النظر فيه».
۲۱. این نگاه مبتنی بر نفی تعصب مذهبی و با تکیه بر اندیشه سلفی شکل گرفته است. البته در این نظریه نحله‌ها و تقریرهای متعددی مطرح است (نک: امام، *کمال‌الدین، التعصب المذهبی؛ قراءة معرفية*، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ الجوجو، حسن، *التعصب المذهبي والتطرف الديني وأثرهم على الدعوة الإسلامية*).
۲۲. یوسف قرضاوی در این باب می‌گوید: «والأولى بالمفتي المعاصر: أن يخرج بالناس من سجن المذهبية الضيقة إلى باحة الشريعة الواسعة، بما فيها المذاهب المتبوعة، والمذاهب المنقرضة، وأقوال الأئمة الذين لم يعرف لهم مذهب يتبع، وهم جد كثيرين. و فوق هؤلاء جميعاً، أقوال علماء الصحابة... إننا قد نرى بعض المذاهب تشدد في مسألة، على حين يخفف فيها مذهب آخر أو مذاهب أخرى. و بعضها يضيق في قضية غاية التضييق، و غيره يوسع فيها غاية التوسعة، و هذا يعطينا فرصة للموازنة و الترحيح، و اختيار ما هو أهدى سبيلاً، و أرجح دليلاً» (القرضاوی، یوسف، *في فقه الأقليات المسلمة*، ص ۳۴).
۲۳. برای مخالفان این نظریه نک: *اللامذهبية أخطر بدعة تهدد الأمة الإسلامية* تألیف محمد سعید رمضان البوطی و *اللامذهبية قطرة اللا دينية* تألیف محمد زاهد بن الحسن الکوثری. درباره موافقان و مدافعان

- این نظریه افزون بر آنچه در پی نوشت‌های قبل آمد، نک: عباسی، محمد عید، *بدعة التعصب المذهبی و آثارها الخطیرة فی جمود الفکر و انحطاط المسلمین*.
۲۴. برای نمونه نگارش «فقه الخلاف» در حوزه درون‌مذهبی می‌توان *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة* اثر علامه حلی و *فقه استنبالی* در مسائلی نوشته محمدجواد غروی اصفهانی را نام برد.
۲۵. مصادیق «فقه الخلاف» مبتنی بر اختلافات مذهبی نیز فراوان است. برای نمونه در اهل سنت *اختلاف اَبی حنیفة و اَبی لیلی* اثر ابویوسف (۱۸۲ق) و در فقه شیعه *الخلاف* شیخ طوسی؛ *الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف* تألیف جعفر سبحانی، *مسائل خلافیة* اثر سید عبدالحسین شرف‌الدین، که بعدها به *مسائل فقهیة مشهور* شد، و *دراسات فقهیة فی مسائل خلافیة* نوشته نجم‌الدین طبسی از نگارش‌های این حوزه‌اند.
۲۶. برخی به این مسئله التفات کرده و در تقسیم بحث خود آن را لحاظ کرده‌اند (نک: ابن‌عبدالرحمن الرومی، هیتم بن فهد، *الصیایغة الفقهیة فی العصر الحدیث*، ص ۱۸۹-۳۴۵).
۲۶. برای نمونه نک:
- الملاح، الشیخ حسین محمد، *الفتوی نشأتها و تطورها، أصولها و تطبیقاتها*، که بحث جامعی در موضوع فقه فتوایی از گونه‌های بحث فقهی است و در آن فتوا و مباحث مرتبط با آن در میان مذاهب اسلامی به طور جامع تحلیل شده است.
 - الجدعانی، مجمول بنت أحمد بن حمید، *الاستدراک الفقهی تأسیلا و تطبیقا*، که در آن استدراک یا همان نقد و تعلیقه‌نگاری راه، که از گونه‌های بحث فقهی است، به تفصیل کاویده است.
 - ابن‌عبدالرحمن الرومی، هیتم بن فهد، *الصیایغة الفقهیة فی العصر الحدیث*، در این کتاب دو گونه از بحث فقهی، یعنی تقنین الأحکام الشرعیة (ص ۳۴۷-۴۹۰) و النظریة الفقهیة (ص ۴۹۱ به بعد)، به شکل وافی بررسی شده است، اما به نظر می‌رسد موضوع تقسیم، فقط آشکال بحث فقهی با محوریت استنباط احکام نیست، بلکه نقطه اهتمام نویسنده تقسیم نگارش‌ها در حوزه دانش فقه است. این مطلب از مقدمات او در باب تعریف الصیایغة الفقهیة (ص ۲۳-۲۹)، بحث در باب الصیایغة الفقهیة عند الفقهاء السابقین (ص ۳۱-۱۶۰) و از قراردادن اصطلاح‌شناسی فقهی (*المصطلح الفقهی*، ص ۱۸۹-۳۴۶) در میان گونه‌های بحث فقهی معاصر دیده می‌شود.
 - ۲۶. نک: ابن‌السلی، أبوأمامة نوار، *اصلاح الفکر الفقهی*، ص ۶۳؛ وی در بحث از فنون فقه ضمن تقسیم دانش‌های مرتبط با بحث فقهی، که از نظر موضوع اعم از بحث گونه‌شناسی است، به گونه‌هایی از بحث فقهی، همچون نوازل الأحکام، الفقه المقارن، آیات الأحکام، احادیث الأحکام و النظریات الفقهیة نیز اشاره می‌کند. همچنین عطیة، جمال، *تجدید الفقه الاسلامی (التجدید الفقهی المنشود)*، ص ۳۶-۴۵، که از گونه‌های بحث فقهی به فقه مقارن، فقه قانون‌گذاری و نظریه‌پردازی فقهی اشاره می‌کند. همچنین الأشقر، عمر سلیمان، *تاریخ الفقه الاسلامی*، ص ۲۱۰، «النظریات الفقهیة»؛ الدسوقی، محمد، *مقدمة فی دراسة الفقه الاسلامی*، ص ۱۹۱ «الفقه المذهبی و الفقه المقارن»، ص ۲۱۶ «تقنین الفقه»، ص ۲۶۲ «النظریة الفقهیة».
 - ۲۶. یکی از بحث‌های جنجالی دوران معاصر ظهور گروه‌هایی است که به «قرآن‌گرا» شهرت یافته‌اند. محور قرآن‌گرایی انکار «سنت» و اکتفا به قرآن در استنباط احکام است (نک: حب‌الله، حیدر، *نظریة*

السنة في الفكر الامامي الشيعي، ص ۵۰۹-۵۱۹، ص ۶۱۲-۶۳۸).

۲۶. از باب نمونه، برای استمرار این گونه از بحث فقهی تا دوران معاصر می‌توان به کتاب ارزشمند *الفقه المأثور*، اثر علی مشکینی، از علمای معاصر، اشاره کرد (نک: مشکینی، میرزا علی، مجموعه آثار آیه الله مشکینی *الفقه المأثور*).

۲۶. نگارش‌های فراوان در حوزه «فقه الخلاف» از آغازین نگارش‌های حوزه فقه تا به امروز جریان داشته است. برای نمونه اولین آثار در حوزه «فقه الخلاف» در اهل سنت می‌توان به *اختلاف أبي حنيفة و أبي ليلى* اثر ابویوسف (۱۸۲ق) اشاره کرد. در فقه شیعه نیز کتاب *الخلاف* شیخ طوسی از اولین نگاه‌های این حوزه فقهی است. استمرار این بحث تا به امروز چنان گسترده است که نیاز به ذکر ندارد؛ اما برای نمونه *الانصاف في مسائل دام فيها الخلاف* اثر جعفر سبحانی، *مسائل خلافية* اثر السيد عبدالحسين شرف‌الدین که بعدها به *مسائل فقهية مشهور* شد و *دراسات فقهية في مسائل خلافية* تألیف نجم‌الدین طوسی از نگارش‌های معاصر در این حوزه‌اند.

۲۶. این عنوان و مشابهات آن، چون *فقه الائتلاف*، در میان معاصران رنگ جدی به خود گرفته، همچون اصطلاحی در حوزه بحث فقهی داخل شده و نگارش‌هایی را در پی داشته است (نک: الحکیم، السيد منذر، *فقه الوفاق في تراث الامام شرف الدين*، ص ۲۲۳-۲۲۵؛ السدلان، صالح بن غانم، *الائتلاف والاختلاف، اسسه و ضوابطه*، ص ۷۰). مراجعه به آثار قدما و عناوینی چون *المؤتلف من المختلف بين أئمة السلف اثر امين الاسلام طبرسي* (۵۴۸ق) و *جامع الخلاف والوفاق بين الامامية و أئمة الحجاز والعراق اثر سبزواری* (حدود ۷۰۰ق) دلالت بر جریان این اندیشه در میان گذشتگان نیز دارد.

۲۶. این نگاه مبتنی بر نفی تعصب مذهبی و با تکیه بر اندیشه سلفی شکل گرفته است. البته در این نظریه نحله‌ها و تقریرهای متعددی مطرح است (نک: امام، کمال‌الدین، *التعصب المذهبي: قراءة معرفية*، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ الجوجو، حسن، *التعصب المذهبي والتطرف الديني و أثرهم على الدعوة الاسلامية*).

۲۶. نمونه این قسم نگارش نیز فراوان است. فراتر از نگارش در این حوزه‌های بحث فقهی، منابعی نیز درباره مبانی و روش بحث در این اقسام از بحث فقهی تدوین شده است؛ برای نمونه: الموسوی، السيد محمد، *منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدثة و القحطاني، مسفر بن علی بن محمد، منهج استنباط احكام النوازل الفقهية المعاصرة*.

۲۶. نگارش در حوزه «فقه سیاسی» یا «فقه الدولة» در فقه اسلامی، به‌ویژه در فقه اهل سنت، سابقه‌ای دیرینه دارد. این بحث از ابحاث فقه موضوعی با عناوینی چون ولایت فقیه، فقه سیاسی، فقه الدولة و السياسة الشرعية نیز نامیده می‌شود. برای نمونه تألیفات در این حوزه می‌توان به ولایت فقیه اثر امام خمینی، *السياسة الشرعية اثر ابن تیمیه و نظام الحكم في الشريعة والتاريخ الاسلامي اثر ظافر القاسمي* اشاره کرد. برای تفصیل بحث نک: *الفقه السياسي الاسلامي اثر خالد فهدي*.

۲۶. نگارش در این حوزه در دوره معاصر در تمام جوامع اسلامی رشد چشمگیری داشته و در حوزه نظریه‌پردازی، قانون‌گذاری و نظام اقتصادی اسلامی و واقعیت‌های عملی قابل تطبیق در جامعه کارهای بزرگی صورت گرفته است. شکل‌گیری مجامع علمی در فقه اقتصاد، رشته‌های متعدد دانشگاهی در این حوزه و مجلات تخصصی بی‌شمار از مصادیق توسعه این گونه بحث فقهی است.

۲۶. برای نمونه بحث در حوزه نظریه‌پردازی در این گونه بحث فقهی نک: الشرفی، عبدالمجید السوسوه، *الاجتهاد الجماعي في التشريع الاسلامي*، ص ۴۳-۱۲۴؛ الکرز، نصر محمود، *الاجتهاد الجماعي و تطبيقه المعاصرة*، ص ۳۱-۹۲، القرضاوی، یوسف، *الاجتهاد في الشريعة الاسلامية*.

ص ۱۸۲-۱۸۴؛ الشبلی، مصطفی، *الفقه الاسلامی بین المثالیة والواقعیة*، ص ۲۲۰-۲۱۱؛ القطان، مناع، *تاریخ التشريع الاسلامی*، ص ۴۲۲-۴۲۳؛ الزرقا، مصطفی أحمد، *الفقه الاسلامی و مدارسه*، ص ۱۱۳-۱۱۹.

برای معرفی نمونه‌های تطبیقی و واقعی مؤسسات و مجامع فقهی نک: الکرز، نصر محمود، *الاجتهاد الجماعی و تطبیقاته المعاصرة*، ص ۹۷-۱۴۲؛ الشرفی، عبدالمجید السوسوه، *الاجتهاد الجماعی فی التشريع الاسلامی*، ص ۱۳۸-۱۴۰؛ الدسوقی، محمد، *مقدمة فی دراسة الفقه الاسلامی*، ص ۲۲۶-۲۲۸.

۲۶. برخی فقه فتوایی را به حکم شرعی به نحو کلی یا اخبار از حکم کلی معنا کرده‌اند (العاملی، یاسین عیسی، *الاصطلاحات الفقهیة فی الرسائل العملية*، ص ۱۵۶). برخی نیز آن را به معنای طلب فتوا و استفتاء دانسته‌اند (أبو حبیب، سعدی، *القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً*، ص ۲۸۱؛ عبدالرحمن، محمود، *معجم المصطلحات والألفاظ الفقهیة*، ج ۳، ص ۳۳).

۲۶. این بحث تا آنجا پیش رفته که گاه فقیهی در فقه استدلالی به نتیجه‌ای علمی رسیده، اما در فقه فتوایی خود نظر دیگری را اعلام کرده است. نمونه‌های آن فراوان است؛ مثلاً امام خمینی در کتاب *الطهارة* (ج ۴، ص ۲۰۰) قائل به لزوم تعدد در تطهیر انا با ماء معتصم می‌شود؛ اما در *تحریر الوسیلة* (ج ۱، ص ۱۲۸) می‌گوید احوط آن است که تعدد ترک نشود. همچنین درباره عدم اشتراط لفظ در عقد نکاح در کتاب *البیع* (ج ۱، ص ۲۶۷-۲۶۸) قائل به شرط نبودن لفظ و وقوع آن با فعل می‌شود؛ اما در *تحریر* (ج ۲، ص ۲۴۶) لفظ را برای وقوع عقد شرط می‌کند. البته این نمونه‌ها تابع قاعده عمومی احتیاط در مقام فتوا هستند.

۲۶. این شکل از آثار فقهی مصادیق فراوانی، به‌ویژه در میان قدماء، دارد، از جمله *النهاية فی مجرد الفقه والفتوى* نگاشته شیخ طوسی. البته در میان کارهای معاصر نیز نمونه‌هایی از آن را می‌توان یافت، از جمله *الفقه المأثور*، نگاشته میرزا علی مشکینی.

۲۶. برای نمونه نک: *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، نگاشته شیخ یوسف بحرانی. در دوران معاصر نیز می‌توان به *نهج الشریعة لجمیع الشیعة اثر الشیخ محسن آل عصفور* اشاره کرد.

۲۶. نمونه آن تعلیقات متعددی است که بر *رسائل عملیة*، *عروة الوثقی*، *منهاج الصالحین*، *تحریر الوسیلة* و مانند اینها نگاشته شده است. البته این سبک در طول تاریخ جریان داشته و مصادیق آن فراوان‌اند.

۲۶. رساله‌نویسی به معنای جمع‌آوری و تدوین مجموعه‌ای از مسائل مبتلا به مکلف است که سابقه‌ای دیرینه دارد. برخی *معتقد الامامیة* اثر عمادالدین حسن طبری (۶۹۸ق) (مدرسی طباطبایی، سید حسین، *مقدمه‌ای بر فقه شیعه*، ص ۳۷۷)، برخی *جامع عباسی* اثر شیخ بهایی (جناتی، محمدابراهیم، *ادوار فقه و کیفیت بیان آن*، ص ۲۸۴) و برخی *احکام النساء* تألیف شیخ مفید (مهریزی، مهدی، *درایتی*، محمدحسین، *فقه فتوایی آخوند خراسانی*، ص ۲۰) را اولین نگاشته‌های این حوزه می‌دانند. این نوع نگارش‌ها در دوران معاصر شکل سازمان‌یافته و متکاملی به خود گرفته و رواج فراوان دارد. ۲۶. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مراجعات مکلفان موضوع این نوع نگارش‌ها است (نک: جناتی، محمدابراهیم، *ادوار فقه و کیفیت بیان آن*، ص ۲۷۸-۲۸۴).

۲۶. برای نمونه می‌توان به کتاب *النص والاجتهاد* تألیف السید عبدالحسین شرف‌الدین اشاره کرد.

۲۶. وجود منابع فقه مقارن در هر مذهب و نیز اعتماد فقهای هر مذهب بر مقارن‌نگاری‌های خویش و انکار مباحث مقارن دیگر مذاهب قرینه صدق این ادعا است. برای نمونه در سایت «اسلام ویب» فتوای شماره ۱۲۳۷۶۸ در پاسخ به پرسش از منابع فقه مقارن درباره کتاب *الفقه علی المذاهب الخمسة* نوشته محمدجواد مغنیه آورده است: «فأما الكتب المذكورة فمنها ما لا يعول عليه، ولا يلتفت

إليه ككتاب الفقه على المذاهب الخمسة، فإن مؤلفه مشهورٌ بالبدعة، و ليس كتابه من الكتب المعتبرة عند أهل السنة، فلا ينبغي لك اقتناؤه و لا النظر فيه».

۲۶. این نگاه مبتنی بر نفی تعصب مذهبی و با تکیه بر اندیشه سلفی شکل گرفته است. البته در این نظریه نحله‌ها و تقریرهای متعددی مطرح است (نک: امام، کمال‌الدین، *التعصب المذهبی؛ قراءة معرفية*، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ الجوجو، حسن، *التعصب المذهبی والتطرف السني وأثرهم على الدعوة الإسلامية*).

۲۶. یوسف قرضاوی در این باب می‌گوید: «الأولى بالمفتى المعاصر: أن يخرج بالناس من سجن المذهبية الضيقة إلى باحة الشريعة الواسعة، بما فيها المذاهب المتبوعة، والمذاهب المنقرضة، و أقوال الأئمة الذين لم يعرف لهم مذهب يتبع، و هم جد كثيرين. و فوق هؤلاء جميعاً، أقوال علماء الصحابة... إنا قد نرى بعض المذاهب تشدد في مسألة، على حين يخفف فيها مذهب آخر أو مذاهب أخرى. و بعضها يضيق في قضية غاية التصيق، و غيره يوسع فيها غاية التوسعة، و هذا يعطينا فرصة للموازنة و الترجيح، و اختيار ما هو أهدى سبيلاً، و أرجح دليلاً» (القرضاوى، يوسف، *في فقه الأقليات المسلمة*، ص ۳۴).

۲۶. برای مخالفان این نظریه نک: *اللامذهبية أخطر بدعة تهدد الأمة الإسلامية* تألیف محمد سعید رمضان البوطی و *اللامذهبية قنطرة اللادينية* تألیف محمد زاهد بن الحسن الکوثری. درباره موافقان و مدافعان این نظریه افزون بر آنچه در پی نوشت‌های قبل آمد، نک: عباسی، محمد عید، *بدعة التعصب المذهبي و آثارها الخطيرة في جمود الفكر و انحطاط المسلمين*.

۲۶. برای نمونه نگارش «فقه الخلاف» در حوزه درون‌مذهبی می‌توان مختلف الشیعة فی احکام الشریعة اثر علامه حلی و فقه استدلالی در مسائل خلافتی نوشته محمدجواد غروی اصفهانی را نام برد.

۲۶. مصادیق «فقه الخلاف» مبتنی بر اختلافات مذهبی نیز فراوان است. برای نمونه در اهل سنت اختلاف *أبي حنيفة و أبي ليلى* اثر ابویوسف (۱۸۲ق) و در فقه شیعه *الخلاف شيخ طوسي؛ الانصاف في مسائل دام فيها الخلاف* تألیف جعفر سبحانی، *مسائل خلافتی* اثر سید عبدالحسین شرف‌الدین، که بعدها به مسائل فقهیه مشهور شد، و *دراسات فقهية في مسائل خلافتی* نوشته نجم‌الدین طبسی از نگارش‌های این حوزه‌اند.

۲۶. برخی به این مسئله التفات کرده و در تقسیم بحث خود آن را لحاظ کرده‌اند (نک: ابن عبدالرحمن الرومی، هیثم بن فهد، *الصياغة الفقهية في العصر الحديث*، ص ۱۸۹-۳۴۵).

منابع

- ابن الشلی، أبوأمامة نوار (١٤٣٢ق/٢٠١١م)، *إصلاح الفكر الفقهي رؤية معاصرة، الطبعة الأولى، القاهرة: دار السلام للطباعة والنشر والتوزيع والترجمة.*
- ابن عبدالرحمن الرومی، هيثم بن ههد (١٤٣٣ق)، *الصياغة الفقهية في العصر الحديث دراسة تأصيلية، الرياض: دار التدمرية.*
- ابن فارس، أبوالحسين أحمد (١٤٠٤ق)، *معجم مقانيس اللغة، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الأولى، قم: مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامي.*
- ابن منظور الافريقي المصري، أبي الفضل جمال الدين محمد بن مكرم (١٤١٤ق)، *لسان العرب، تحقيق: أحمد فارس صاحب الجوائب، الطبعة الثالثة، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دار صادر.*
- أبو حبيب، سعدی (١٤٠٨ق)، *القاموس الفقهي لغة واصطلاحا، الطبعة الثانية، دمشق: دار الفكر اسلامي (اسفندياری)، رضا (١٣٨٤ش)، مدخل علم فقه: ادوار، منابع، مفاهيم، كتابها ورجال فقه مذاهب اسلامي، ج اول، قم: مركز مديريت حوزه علميه قم.*
- اسكندري، الهام، تولايي، علي (١٣٩١ش)، «نظريه فهم اجتماعي نصوص، مباني، كارکرد»، در: *مطالعات اسلامي، فقه و اصول، س ٤٤، ش ٩٠، ص ٩-٣٦.*
- الأشقر، عمر سليمان (١٤٠٢ق)، *تأريخ الفقه الاسلامي، الطبعة الأولى، الكويت: مكتبة الفلاح.*
- أمام، كمال الدين (١٤٢٨ق)، «التعصب المذهبي قراءة معرفية»، *مجلة رسالة التقريب، العدد ٥٩.*
- ايازي، محمدعلي (١٣٩١ش)، «ادله اجتهاد جمعي و نقد ادله مخالغان»، در: *پايگاه اطلاع رسانی مراجع شيعه، كد مقاله: ١٣٩١١٢٤٤١٤، http://www.marjaema.net/?p=4&id=14.*
- البوطي، محمد سعيد رمضان (١٤٢٦ق)، *اللامذهبية أخطر بدعة تهدد الشريعة الاسلامية، دمشق - سورية: دار الفارابي للمعارف.*
- الجدعاني، مجمول بنت أحمد بن حميد (١٤٣٥ق/٢٠١٤م)، *الاستدراك الفقهي تأصيلا و تطبيقا، الطبعة الأولى، مكة المكرمة: الملتقى العلمي للنشر والتوزيع.*
- جناتي شاهرودي، محمدابراهيم (١٣٧٤ش)، *ادوار فقه و كيفيت بيان آن، قم: برنامه جامع فقه نور، مركز كامپيوترى علوم اسلامي.*
- الجوجو، حسن (١٤٢٦ق)، «التعصب المذهبي والتطرف الديني وأثرهم على الدعوة الاسلامية»، مؤتمر *الدعوة الاسلامية و متغيرات العصر، الجامعة الاسلامية بغزة، كلية أصول الدين.*

گونه‌شناسی بحث فقهی؛ تحلیل و تبیین گونه‌های بحث فقهی در ساختاری جامع / ۳۲۱

الجوهري، اسماعيل بن حماد (١٤١٠ق)، *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية*، تحقيق: أحمد عبد الغفور العطار، الطبعة الأولى، بيروت: دار العلم للملايين.

حب الله، حيدر (٢٠٠٦م)، *نظرية السنة في الفكر الامامي الشيعي التكون والسيرورة*، الطبعة الأولى، بيروت: مؤسسة الانتشارات العربي.

الحكيم، السيد محمد جعفر (١٤٣١ق)، *تأريخ و تطور الفقه والأصول في حوزة النجف الأشرف العلمية*، الطبعة الرابعة، بيروت: مؤسسة العارف للمطبوعات.

الحكيم، السيد محمد هادي (١٣٨٩ش)، *موسوعة الفقه الاسلامي المقارن*، إشراف: السيد محمود الهاشمي الشاهرودي، الطبعة الأولى، قم: مؤسسة دائرة المعارف الفقه الاسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليه السلام.

الحكيم، السيد منذر (١٤٢٠ق)، «مراحل تطور الاجتهاد في الفقه الامامي»، در: *مجلة فقه أهل البيت عليه السلام*، السنة الرابعة، العدد ١٣.

الحكيم، السيد منذر (١٤٢٦ق)، «فقه الوفاق في تراث الامام شرف الدين»، در: *فقه أهل البيت عليه السلام*، السنة العاشرة، العدد ٣٨.

الحكيم، السيد منذر (١٤٣٠ق)، *مجتمعنا في تراث الشهيد السيد محمد باقر الصدر*، الطبعة الأولى، طهران: المجتمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

الدسوقي، محمد (١٤٢٠ق)، *مقدمة في دراسة الفقه الاسلامي*، قطر: دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع.

الزرقا، مصطفى أحمد (١٤١٦ق)، *الفقه الاسلامي و مدارسه*، الطبعة الأولى، دمشق و بيروت: دار القلم، دار الشامية.

السبحاني التبريزي، الشيخ جعفر (١٤٢٤ق)، *أدوار الفقه الامامي*، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.

السدلان، صالح بن غانم (١٤١٧ق)، *الاتلاف والاختلاف، أسسه و ضوابطه*، رياض: دار بلنسية للنشر والتوزيع.

الشبلي، محمد مصطفى (١٩٨٢ق)، *الفقه الاسلامي بين المثالية والواقعية*، بيروت: الدار الجامعية للطباعة والنشر.

شرف الدين الموسوي، الامام سيد عبد الحسين (١٤٠٤ق)، *النص والاجتهاد*، تحقيق و تعليق: أبو مجتبي، الطبعة الأولى، قم: سيد الشهداء عليه السلام.

الشرفي، عبد المجيد السوسوه (١٤١٨ق)، *الاجتهاد الجماعي في التشريع الاسلامي*، الطبعة الأولى، قطر: وزارة الأوقاف والشؤون الاسلامية.

الشیخ قبلان، عبدالأمیر (١٤٢٤ق)، حول التخصص فی الأبواب الفقهية، الاجتهاد والتجديد (مجموعة من المقالات المختارة للؤتمر الدولي الخامس عشر للوحدة الاسلامية)، اعداد: سيد جلال الدين ميرآقاي، الطبعة الأولى، طهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

الصدر، السيد محمداقرا (١٤٢١ق)، موسوعة الشهيد الصدر (الاسلام يقود الحياة)، الطبعة الأولى، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

الصدر، السيد محمداقرا (١٤٢٣ق)، موسوعة الشهيد الصدر (ومضات)، الطبعة الأولى، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.

الطباطبائي البروجردي، السيد حسين (١٤١٦ق)، البدر الزاهر في صلاة الجمعة والمسافر، المقرر: حسينعلي المنتظري، الطبعة الثالثة، قم: مكتب آيت الله المنتظري.

الطريحي، فخرالدين (١٤١٦ق)، مجمع البحرين، تحقيق: سيد أحمد الحسيني، چاپ سوم، تهران: كتاب فروشي مرتضوي.

العاملی، ياسين عيسى (١٤١٣ق)، الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية، الطبعة الأولى، بيروت: دار البلاغة للطباعة والنشر والتوزيع.

عباسی، محمد عيد (١٩٧٠م)، المذهبية المتعصبة هي البدعة أو بدعة التعصب المذهبي وآثارها الخطيرة في جمود الفكر وانحطاط المسلمين، عمان - الأردن: المكتبة الاسلامية.

عبدالحميد، صائب (٢٠٠٨م)، الشهيد محمد باقر الصدر من فقه الأحكام إلى فقه النظريات، الطبعة الأولى، بيروت: مركز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامي.

عبدالرحمان، محمود (١٩٩٩م)، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية، القاهرة: دار الفضيلة للنشر والتوزيع.

عبدالعال اسماعيل سالم (١٤٢٩ق)، البحث الفقهي طبيعته، خصائصه، أصوله، مصادره مع المصطلحات الفقهية في المذاهب الأربعة، الطبعة الأولى، مكة المكرمة: مكتبة الأسدي.

العذارى، السيد جواد (١٤٢٤ق)، فقه النظرية معرفة و تطبيق، الاجتهاد والتجديد (مجموعة من المقالات المختارة للؤتمر الدولي الخامس عشر للوحدة الاسلامية)، اعداد: سيد جلال الدين ميرآقاي، الطبعة الأولى، طهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.

عطية، جمال (١٤٢٠ق)، تجديد الفقه الاسلامي (التجديد الفقهي المنشود)، الطبعة الأولى، بيروت: دار الفكر المعاصر.

الغفوري، خالد (١٤٢١ق)، «فقه النظرية عند الشهيد الصدر»، مجلة فقه أهل البيت (عليه السلام)، السنة الخامسة،

گونه‌شناسی بحث فقهی؛ تحلیل و تبیین گونه‌های بحث فقهی در ساختاری جامع / ۳۳۳

فاکر میبیدی، محمد (۱۳۸۶ش)، «فقه القرآن شیعیه در بستر تاریخ»، در شیعیه‌شناسی، س ۵، ش ۱۷، ص ۶۸-۲۹.

فخلعی، محمدتقی (۱۳۷۹ش)، «جستاری در تاریخ تفسیر آیات الأحکام»، در نشریه دانشکده الاهیات مشهد، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۳۴۷-۳۹۴.

الفضلی، عبدالهادی (۱۴۲۸ق)، *التقلید والاجتهاد دراسة فقهية لظاهرتی التقليد والاجتهاد الشرعیین*، بیروت: مرکز الغدیر.

فقه اجتماعی (۱۳۹۳ش). به کوشش محمدباقر ربانی، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.

الفیومی الحموی، أبو‌العباس أحمد بن محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، الطبعة الأولى، قم: منشورات دار الرضی.

القحطانی، مسفر بن علی بن محمد (۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م)، *منهج استنباط احکام النوازل الفقهية المعاصرة دراسة تأصيلية تطبيقية*، المملكة العربية السعودية: جامعة أم القرى.

القرضاوی، یوسف (۱۴۱۷ق)، *الاجتهاد فی الشريعة الاسلامیة*، الطبعة الأولى، الكويت: دار القلم.

القرضاوی، یوسف (۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م)، *فی فقه الأقليات المسلمة حياة المسلمين وسط المجتمعات الأخرى*، الطبعة الأولى، مصر: دار الشروق.

القطان، مناع (۱۴۱۷ق)، *تاریخ التشريع الاسلامی*، الطبعة الثانية، الرياض: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع.

الکرز، نصر محمود (۱۴۲۹ق)، *الاجتهاد الجماعی و تطبیقاته المعاصرة*، إشراف: الدكتور ماهر حامد الحولی، غزة: الجامعة الاسلامیة.

کلانتری، محمد (۱۳۷۷ش)، «پیدایش و تطور کتاب‌های فقه القرآن»، در مجله فقه، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۳۴۴-۳۶۹.

الکوثری، محمد زاهد بن الحسن (۲۰۰۶م)، *اللامذهبية فنطرة اللادينية*، مصر: المكتبة الأزهرية للتراث.

گروه نویسندگان (۱۳۴۱ش)، *بحثی درباره مرجعیت و روحانیت*، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۴۱۰ق)، *مقدمه‌ای بر فقه شیعیه*، ترجمه: محمدآصف فکرت، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

المشکینی، میرزا علی (۱۳۹۲ش)، *مجموعه آثار آیه الله المشکینی (ج ۲۳: اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها)*، تحقیق محمد مهدی إحسانی فر، الطبعة الأولى، قم: دار الحديث.

المشکینی، میرزا علی (۱۳۹۲ش)، مجموعه آثار آیه الله المشکینی (ج ۲۶؛ الفقه المأثور)، تحقیق: محمدمهدی إحسانی فر، الطبعة الأولى، قم: دار الحديث.

المصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، الطبعة الأولى، تهران: مرکز الكتاب للترجمة والنشر.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش)، مجموعه آثار (ج ۲۰؛ آشنایی با اصول فقه)، چاپ سوم، تهران: صدرا. الملاح، الشیخ حسین محمد (۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م)، الفتوی نشأتها و تطورها، أصولها و تطبيقاتها، بیروت، صیدا: المكتبة العصرية.

شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی (ج ۲؛ رسالة الحدود والحقائق)، محقق و مصحح: سید مهدی رجایی، الطبعة الأولى، قم: دار القرآن الکریم.

خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱ق)، کتاب البیع، چاپ اول تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱ق)، کتاب الطهارة، چاپ اول تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسيلة، چاپ اول قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم. الموسوی، السيد محمد (۱۴۳۰ق)، منهج الفقه الاسلامی فی المسائل المستحدثة، الطبعة الأولى، قم: مرکز الطباعة والنشر التابعة لمكتب الاعلام الاسلامی.

مهریزی، مهدی (۱۳۷۷ش)، «اجتهاد گروهی: نقد و معرفی کتاب الاجتهاد الجماعی»، در آیین پژوهش، ش ۵۰، ص ۳۲-۳۵.

مهریزی، مهدی، درایتی، محمدحسین (۱۳۹۰ش)، فقه فتوایی آخوند خراسانی، چاپ اول قم: معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.